

هدف چه بود؟ هدف این بود که پایه‌های نظام را سست کنند، متزلزل کنند، مراکز حساس را بگیرند، صداوسیما را بگیرند و از این قبیل؛ این کاری بود که اینها میخواستند بکنند. نیروهای انتظامی، بسیج، سپاه و تعداد زیادی جوان که نه جزو بسیج بودند، نه جزو سپاه بودند، در مقابل اینها قرار گرفتند.

## ▼ گزارش روز

## امنیت درون‌زا به رهبری ایران

بررسی تحولات جاری نشان می‌دهد که ایران با هوشمندی، بازی را از «تحمّل فشار» به «اعمال فشار» تغییر داده است. ما در یک جنگ فرسایشی متقابل، نقطه آسیب مرگبار حریف را پیدا کرده‌ایم: اقتصاد انتخاباتی شکننده که به قیمت انرژی گره خورده است. ایران اگر بتواند میان «تاب‌آوری داخلی»، «مدیریت هوشمند فشار» و «بهره‌برداری فعال از شکاف‌های ژئوپلیتیکی» پیوند برقرار کند، این دوره نه فقط یک مرحله پرهزینه، بلکه آغازی برای ارتقای وزن راهبردی کشور در نظم جدید جهانی خواهد بود.

تنگه هرمز دیگر یک گذرگاه جغرافیایی نیست؛ «کلید کنترل» ترموستات اقتصاد جهانی است و این کلید در دستان ماست. هرگونه بی‌ثباتی در این شاه‌رگ، کاخ سفید را در سال انتخابات، بسیار سریع‌تر و دردناک‌تر از اقتصاد ایران فلج می‌کند. افزایش قیمت سوخت در پمپ‌بنزین‌های کالیفرنیا، قدرتی برهم‌زننده‌تر از ناوهای هواپیمابر در خلیج فارس دارد. آمریکا نمی‌تواند هم‌زمان هم ایران را مهار کند و هم قیمت بنزین را برای رأی‌دهندگانش پایین نگه دارد. این یک پارادوکس غیرقابل حل برای آنهاست. تنگه هرمز به‌مثابه نقطه تمرکز قدرت، می‌تواند نه‌تنها بازار انرژی، بلکه معادلات امنیتی و اقتصادی قرن جدید را تحت تأثیر قرار دهد.

این اهرم قدرتمند، معادلات منطقه را نیز تغییر داده است. کشورهای همسایه به این درک راهبردی رسیده‌اند که امنیتشان را دیگر نمی‌توانند از واشنگتن «وارد» کنند. وقتی آمریکا نمی‌تواند امنیت شریان اصلی انرژی جهان را تضمین کند، ائتلاف‌های ضدایرانی به جوکی بی‌مزه تبدیل می‌شوند. این موضوع، زمینه را برای معماری یک «امنیت درون‌زا» به رهبری ایران فراهم می‌کند؛ امنیتی که در آن همسایگان برای ثبات، با کشورمان گفتگو می‌کنند، نه با واشنگتن. ایران با بهره‌گیری از شکاف‌های موجود در ائتلاف‌های منطقه‌ای و تأکید بر منافع مشترک در ثبات و امنیت خلیج فارس، می‌تواند موقعیت خود را تقویت کرده و فشارهای تحریمی را کاهش دهد.

واقعیت‌های سال ۲۰۲۶ نشان می‌دهد که ایران با دست گذاشتن بر «نقاط دردآور» اقتصاد جهانی، از یک بازیگر تحت محاصره، به یک «قانون‌گذار» در نظم جدید تبدیل شده است. اقتصاد مقاومتی ما که به بحران عادت کرده، در برابر اقتصاد شفاف و شکننده غرب، یک مزیت نامتقارن است. ایران ثابت کرده که نه تنها حذف‌شدنی نیست، بلکه کلید ثبات یا بی‌ثباتی حیاتی‌ترین منبع جهان، در دستان اوست.

## [مرئضی امیری نژاد]

## ▼ خبر ویژه

## جنگ ایران؛ ضربه نهایی به زرادخانه آمریکا

یک مقام آمریکایی به شبکه الجزیره گفت که ارتش آمریکا به دلیل جنگ با ایران با «کسری بودجه غیرمنتظره‌ای» روبرو است. این مقام که نامش فاش نشده، مدعی شد که این کسری بودجه «بر آمادگی رزمی ارتش تأثیری نخواهد گذاشت، اما در ذخایر مهمات خود را نشان خواهد داد.» وی افزود: «ذخایر مهمات به دلیل حمایت از اوکراین از سال ۲۰۲۳ کاهش یافته و بار جنگ با ایران نیز به آنها اضافه شده است.» به گفته این مقام، وزارت جنگ آمریکا روی تصویب بودجه ۱٫۵ تریلیون دلاری حساب کرده است و در غیر این صورت باید «تصمیمات دشواری گرفته شود.» بر اساس گزارش مرکز مطالعات راهبردی و بین‌المللی آمریکا، به دلیل خالی شدن ذخایر موشک‌های رهگیر در جنگ علیه ایران، آمریکا در هرگونه درگیری آتی با هر کشوری با کمبود شدید مهمات مواجه خواهد بود. طبق گزارش‌های رسانه‌های آمریکایی، وزارت جنگ برای سال مالی ۲۰۲۷ بیش از ۳ هزار و ۲۰۰ فروند موشک پاتریوت خریداری خواهد کرد که افزایشی ۶۸۲ درصدی نسبت به سال مالی ۲۰۲۶ است. کارشناسان نظامی معتقدند این آمار نشان‌دهنده عمق بحران ذخایر راهبردی آمریکا پس از جنگ ایران است و پنتاگون برای بازسازی زرادخانه خود به سال‌ها زمان و بودجه کلان نیاز دارد. برخی سناتورهای آمریکایی نیز هشدار داده‌اند که در صورت وقوع درگیری جدید در هر نقطه از جهان، آمریکا توانایی تأمین مهمات مورد نیاز را نخواهد داشت و این وضعیت، امنیت ملی ایالات متحده و متحدانش را با تهدید جدی مواجه کرده است.

## ▼ حرف روز چین چه تحلیلی از جنگ اخیر ایران و آمریکا دارد؟

در نظم متحول ژئوپلیتیکی پساجنگ، ترامپ با درکی آشفته از واقعیت‌های میدانی، سناریوی فشار بر پکن را برای مهر ایران در سفر اخیرش در دستور کار قرار داده است. تصور ترامپ آن است که می‌تواند با تهدید یا تطمیع، چین را وادار سازد تا اهرم‌های اقتصادی و سیاسی خود را برای امتیازگیری از کشورمان در پرونده هسته‌ای و موضوع تنگه هرمز به کار گیرد. این راهبرد اما پیش از آنکه نشانه قدرت باشد، آشکارکننده استیصال راهبردی سران کاخ سفید است. کشوری که پس از ناکامی در میدان نبرد مستقیم با جمهوری اسلامی ایران، اکنون به دنبال میانجی اجباری می‌گردد تا شکست خود را ترمیم کند، غافل از اینکه مناسبات تهران و پکن نه از جنس وابستگی تاکتیکی، که مبتنی بر پیوندهای عمیق راهبردی و نگاه مشترک به ساختار ناعادلانه نظام بین‌الملل است. پکن با ارزیابی دقیق میدانی، جنگ اخیر را نه یک پیروزی مقطعی، که یک شکست راهبردی تمام‌عیار برای ماشین نظامی و اعتبار سیاسی آمریکا تحلیل می‌کند. در محاسبات راهبردی چین، آمریکا با تحمیل این جنگ، هم توان نظامی خود را در برابر اراده یک ملت ناتوان و ضعیف دید و هم شکاف‌های سیاسی داخلی و متحدانش را تعمیق بخشید. از این منظر، هرگونه تلاش برای تغییر این وضعیت به سود واشنگتن، نه تنها کمکی به ثبات منطقه‌ای نمی‌کند، بلکه دستاوردهای ژئوپلیتیکی پکن را در همراهی با جبهه مقاومت خنثی خواهد ساخت. چین به خوبی می‌داند که وادار کردن ایران به عقب‌نشینی از حقوق حاکمیتی خود، به مثابه تضعیف یکی از ستون‌های اصلی موازنه قوا در غرب آسیاست؛ موازنه‌ای که اکنون به شدت به زیان آمریکا تغییر کرده است. تلاش مذبح‌خانه واشنگتن برای بازنگری روابط چین و ایران نیز سرلی بیش نیست. پکن در این نبرد، نه فقط یک شریک اقتصادی، بلکه یک هم‌تراز راهبردی را در تهران یافته است که توانست همینه آمریکا را در یکی از حساس‌ترین نقاط جهان به چالش بکشد. اصرار کاخ سفید بر قطع این پیوند نادیده گرفتن اراده مستقل دو تمدن کهن است که مسیر همکاری‌های خود را فارغ از دیکته‌های خارجی ترسیم کرده‌اند. برنامه‌های جمع همکاری درازمدت، فراتر از معادلات مقطعی، تضمین‌کننده تلوم این مسیر است و چین به هیچ وجه منافع کلان خود را فدای التیام زخم اعتبار آمریکا نخواهد کرد. برای جمهوری اسلامی ایران، این پویایی دوگانه، هم فرصت و هم هشدار راهبردی دارد. از یک سو، شکاف میان آمریکا و چین، فضایی برای کاهش فشارهای یکجانبه ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، ایران نباید صرفاً بر حمایت چین در برابر واشنگتن حساب کند، زیرا پکن در نهایت دنبال‌کننده منافع ملی خود است. بهترین پاسخ ایران، تقویت دیپلماسی فعال با همسایگان و کاهش تنش‌های قابل مدیریت در تنگه هرمز و پرونده هسته‌ای است تا بازیگران جهانی به‌لغی برای گره زدن آینده ایران به رقابت‌های بزرگ نیابند. در حال حاضر مثلث فشار آمریکا بر چین، مقاومت راهبردی ایران و بلوغ ژئوپلیتیکی چین، معادله‌ای را شکل داده که در آن برگ برنده در دست ایران و متحدان شرقی آن است. جنگ اخیر ثابت کرد که دوران یکتازاری واشنگتن به سر آمده و هر سناریویی برای دل‌سازای قدرت‌های مستقل به عقب‌نشینی، محکوم به شکست خواهد بود. ایران با تکیه بر توان بازدارندگی بومی و ائتلاف‌های هوشمند شرقی، نه تنها از حقوق مسلم خود کوتاه نخواهد آمد، بلکه نظاره‌گر فرسایش بیشتر راهبرد شکست‌خورده آمریکا در منطقه خواهد بود.

**مردم ثابت کردند حافظ اصلی انقلاب و کشور هستند**

حمیدرضا جلالی‌پور، فعال سیاسی اصلاح طلب، با اشاره به تحولات اخیر و حملات آمریکا و رژیم صهیونی به ایران در جنگ رمضان گفت: «یکی از مهم‌ترین پدیده‌های این جنگ، حضور خودجوش و دلوطلبانه مردم در صحنه بود. اجتماعات شبانه مردم در شهرهای مختلف بدون سازماندهی رسمی شکل گرفت و این حضور مردمی در نوع خود کم‌سابقه بود.» وی تصریح کرد: «در حدود ۴۰۰ شهر و به‌ویژه در بیش از ۵۰ میدان شهر تهران، مردم تا پیش از اعلام آتش‌بس به‌صورت شبانه حضور پیدا می‌کردند و از کشور دفاع می‌کردند.» جلالی‌پور با بیان اینکه انقلاب ۵۷ مردمی‌ترین انقلاب قرن بیستم بود، خاطرنشان کرد: «حضور گسترده مردم در این شب‌ها نشان داد که بخش قابل توجهی از جامعه به‌صورت آگاهانه برای دفاع از کشور و نظام وارد میدان شدند و این مسئله از مهم‌ترین ویژگی‌های این دوره به شمار می‌رود.» این فعال سیاسی با اشاره به دفاع چندلایه از کشور افزود: «در دوران جنگ از مرزهای ایران همانند دیوار خانه پدري محافظت شد تا هیچ‌گونه نفوذی صورت نگیرد. مجموعه‌ای از نهادها و دستگاه‌ها در حفظ کشور نقش آفرینی کردند؛ از مدیریت و حفظ محلات توسط شهرداری‌ها گرفته تا مراقبت از مرزها و ارائه خدمات عمومی.» جلالی‌پور با بیان اینکه «برخلاف برخی تحلیل‌ها که از ضعف دولت و فروپاشی اجتماعی در ایران سخن می‌گفتند، جامعه ایران در این شرایط انسجام خود را حفظ کرد»، تأکید کرد: «اگر جامعه‌های دچار فروپاشی شده باشد، در شرایط جنگی ناامنی، غارت، درگیری‌های قومی و آشوب‌های گسترده رخ می‌دهد اما در ایران چنین اتفاقاتی مشاهده نشد.» وی در پایان یاد آوری کرد که یکی از دلایل تکرار اجتماعات شبانه مردم، «حساس نزدیکی و همراهی میان مردم و رهبری» بود. جلالی‌پور گفت: «همه می‌گفتند "جانم فدای رهبر"، اما وقتی مردم دیدند رهبر نیز جان خود را برای مردم و کشور در میدان گذاشته، نوعی برانگیختگی و احساس مشترک در جامعه ایجاد شد.»

**حملات حزب‌الله رژیم صهیونی رافلج کرد**

کاتال ۱۲ تلویزیون رژیم صهیونی گزارش داد که حملات حزب‌الله باعث شده «هیچ فعالیت اقتصادی و اجتماعی متمرکز و ثابتی» در شمال فلسطین اشلالی انجام نشود. رئیس شورای شهرک «مرگلیوت» در گفت‌وگو با این شبکه تأکید کرد: «آنچه سه روز پیش از حمله پهلادی تجربه کردیم، به‌گمان اسرائیل پیش از این هرگز مشابه آن را تجربه نکرده است.» شبکه «کلان» نیز گزارش داد که در مناطق شمالی، شرایط آموزشی به حالت عادی بازنگشته و دانش‌آموزان در حالی امتحانات نهایی خود را برگزار می‌کنند که منطقه همچنان زیر آتش حملات قرار دارد. این شبکه به نقل از رئیس شورای «الجلیل علیا» گزارش داد که وضعیت شمال در سطح امنیتی و اقتصادی «بسیار وخیم» است و این منطقه عملاً در شرایط یک جنگ همه‌جانبه قرار دارد. کاتال ۱۲ به نقل از رئیس شورای شهرک «المطله» وضعیت موجود را «بسیار بحرانی» توصیف کرده است. این مقام محلی گفت: «ما هیچ برنامه‌ریزی برای حتی فرای خود نیز نمی‌توانیم انجام بدهیم و این وضعیت بسیار ناامیدکننده است و هیچ‌کس برای گفت‌وگو وجود ندارد.» او افزود: «گلوله‌باران، بی‌خوابی و هرج‌ومرج کامل، سطح بالایی از ناامیدی را در میان ساکنان ایجاد کرده است.» رسانه‌های صهیونیست گزارش دادند که هزاران شهرکنشین شمالی خله‌های خود را ترک کرده‌اند و دولت نتایج نتوانسته است وعده بازگشت امن را عملی کند. رئیس شورای الجلیل علیا هشدار داد: «اگر این وضعیت ادامه پیدا کند، شمال اسرائیل غیرقابل سکونت خواهد شد.»

**روابط ایران و چین راهبردی و بلندمدت است**

مهدی صفری، معاون سابق وزیر خارجه و سفیر سابق ایران در چین، با تأکید بر روابط راهبردی و بلندمدت تهران-پکن گفت: «روابط ایران و چین بسیار درازمدت و راهبردی و استراتژیک بوده و خواهد بود. چین همواره منافع جمهوری اسلامی ایران را مدنظر داشته و ایران نیز منافع چین را» صفری افزود: «یکی از مسائل بسیار مهم، مسئله انرژی است؛ هم تأمین آن و هم امنیتش. چینی‌ها آگاهند که تأمین امنیت و سرویس‌دهی نفت در خلیج فارس و دریای عمان همواره از سوی جمهوری اسلامی ایران انجام شده و این سرویس برای چین برقرار بوده و خواهد بود.» وی با اشاره به همکاری‌های گسترده گفت: «در زمینه‌های مختلف تجاری و اجرای پروژه‌های کوتاهمدت و بلندمدت، روابط فرهنگی و اجتماعی روابط بسیار خوبی با چین داشته‌ایم و خواهیم داشت. امیدواریم روابط مالی بین دو کشور با محوریت یون و ریال برقرار شود که بانک‌های مرکزی در جریان آن هستند؛ این مسئله ما را از دخالت کشورهای ثالث مستقل می‌کند. چین منافع کوتاهمدت را اصلاً مدنظر ندارد، بلکه چشم‌انداز بلندمدت را می‌بیند.» معاون سابق وزیر خارجه درباره سفر ترامپ به چین نیز گفت: «قدرت اقتصادی چین بسیار بالاتر از آمریکا است و با همین قدرت اقتصادی و تجاری، بهترین شریک برای آنها در منطقه در تمام زمینه‌های فرهنگی، امنیتی، سیاسی و اقتصادی، جمهوری اسلامی ایران است.» صفری در پاسخ به این سؤال که آیا چین را شریکی قابل‌اعتماد برای ایران می‌دانید، تصریح کرد: «کاملاً. البته هر کشوری منافع خودش را می‌بیند، اما منافع چین این است که همواره با جمهوری اسلامی ایران روابط راهبردی داشته باشد. مفهوم "قابل‌اعتماد" در همین روابط راهبردی مستتر است.»

▶ پرویز امینی، جامعه‌شناس و تحلیلگر سیاسی، با اشاره به عملکرد درخشان ایران در جنگ رمضان گفت: «ساختار سیاسی و اجتماعی ایران توان بازتولید قدرت در بحران را دارد.» وی افزود: «جنگ رمضان نشان داد جامعه ایران یک جامعه قوی است؛ هم از نظر آگاهی، هم از نظر اراده و هم از نظر توانایی.» امینی با مقایسه این جنگ با شهریور ۲۰ تصریح کرد: «این‌طور نیست که اگر رهبری رأس سیستم سیاسی ترور یا حذف شود، جامعه دچار انفعال شود. موضوع این است که جامعه آگاهی، تحلیل و اراده دارد.» او تأکید کرد ساختار کشور حتی با دست دادن فرماندهان، توان بازسازی سریع خود را دارد.

▶ تریتا پارسی، معاون اندیشکده کوئینسی، در تحلیل سفر ترامپ به چین نوشت: «آمریکا بر چین فشار خواهد آورد تا به واداشتن ایران برای پذیرش خطوط قرمز هسته‌ای ترامپ کمک کند.» وی اما این فشارها را بی‌اثر دانست و افزود: «تا زمانی که خواسته‌های آمریکا از ایران از دید پکن غیرمنطقی و حداکثرگرایانه تلقی شود، بعید است که این فشارها مؤثر واقع شود.» پارسی تصریح کرد: «چین می‌داند که چنین خواسته‌هایی به نتیجه نخواهد رسید - به‌ویژه پس از شکست این جنگ غیرضروری - و در نتیجه اجازه نمی‌دهد به ابزاری برای راهبرد ترامپ تبدیل شود.»

▶ نمایندگی ایران در سازمان ملل، فشار آمریکا برای افزایش حامیان قطعنامه تنگه هرمز را «مضحک و فریبکارانه» خواند و گفت: «تلاش ایالات متحده برای نمایش تعداد کشورهای حامی پیش‌نویس قطعنامه با انگیزه سیاسی به‌عنوان حمایت گسترده بین‌المللی و انزوای ایران مضحک و فریبکارانه است.» نمایندگی ایران تصریح کرد: «هیچ میزان همراهی حاصل از فشار و اجبار نمی‌تواند اقدامات غیرقانونی بین‌المللی واشنگتن علیه ایران را مشروعیت بخشد. همه می‌دانند که بسیاری از اعضا تحت فشار سیاسی، اجبار و حتی تهدید به پیش‌نویس قطعنامه پیوستند.»

▶ حزب‌الله لبنان اعلام کرد روز گذشته ۱۷ عملیات علیه مواضع ارتش رژیم صهیونی در جنوب لبنان انجام داده است. طبق اطلاعیه مقاومت اسلامی، این عملیات شامل ۸ حمله پهلادی، ۵ عملیات موشکی و راکتی، یک حمله توپخانه‌ای و یک شلیک موشک هدایت‌شونده بوده است. در این حملات، ۲ خودروی نظامی نمر، ۲ تانک مرکاوا، یک نفربر زرهی و ۲ بولدوزر نظامی هدف قرار گرفتند. همچنین رزمندگان حزب‌الله با کمین در حومه شهرک حدان، نظامیان صهیونیست را با بمب‌های از پیش کارگذاشته و سلاح‌های سنگین هدف گرفتند.

▶ مشاور ویژه کابینه دولت ژاپن در امور سیاست خارجی با اشاره به موضع راهبردی ایران گفت: «ایران در مسائل راهبردی هسته‌ای و تنگه هرمز، تن به هیچ سازش یا عقب‌نشینی تعیین‌کننده‌ای نخواهد داد.» وی با اذعان به موفقیت ایران افزود: «ایران فراتر از حد انتظار در انسداد تنگه هرمز موفق عمل کرده و برگ برنده را در اختیار دارد.»